

نظرات اندیشه سیاسی تشیع در دوره معاصر

تأکید بر تحولات ۵۰ ساله اخیر مکتب های نجف و جبل عامل

دکتر محمد مهدی اسماعیلی



سرشناسه	: اسماعیلی، محمد مهدی، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: تطور اندیشه سیاسی تشیع در دوره معاصر با تأکید بر تحولات ۵۰ ساله اخیر مکتب‌های نجف و جبل عامل / محمد مهدی اسماعیلی.
مشخصات نشر	: نشر کیسان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۱ ص.
بیکد	: ۲۴۰۰۰۰ ۹-۹-94212-600-978:
وضع فهرست نویسی	: فیا
نوبت	: کتانبامه.
موضوع	: شیعه و سیاست
موضوع	: شیعه و سیاست -- لبنان -- عراق -- تاریخ -- قرن ۲۰م
موضوع	: شیعه -- روحانیت -- جبل عامل
موضوع	: مبارزان و علما -- عراق -- نجف -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع	: شیعه -- فعالیت‌های سیاسی
رده بندی کنگره	: BP۲۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷.۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۷۲۹۳۶

کتابخانه

تطور اندیشه سیاسی تشیع در دوره معاصر

مولف: دکتر محمد مهدی اسماعیلی

با همکاری: میثم صالحی، حسن حسین

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قطع: وزیری

ناشر: کیسان

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۳

چاپ و صحافی: پیشگام

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۱۲-۹-۹

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

چکیده

این پژوهش براساس پاسخگویی به این سؤال اصلی که «دلایل اصلی تغییر و تحول در تطور اندیشه سیاسی تشیع در دوره معاصر چیست؟ و در سیر این تطور، شکل گیری، رشد و بالندگی مکاتب نجف و جبل عامل و تأثیرات آنها بر تحولات سیاسی چگونه بوده است؟» انجام شده است. فرضیه پژوهش هم عبارت است از «تحول درونی دستگاه فقه‌ای تشیع و پس از آن، تصادم با اندیشه‌های جدید؛ علت اساسی تطور اندیشه سیاسی تشیع است و موجب آن تحول و تطور اندیشه سیاسی مکاتب نجف و جبل عامل، در دهه های اخیر، تحت تأثیر مقتضیات سیاسی بومی آنها قرار گرفته است». بررسی مسیر تاریخی مذکور نشان می‌دهد وقوع اتفاق مهم در حرکت جدید نظام فقهی شیعی؛ دوره معاصر را بستر ارائه دیدگاه های سکولار، مشخص و تدوین نظریه های حکومتی از سوی اندیشمندان نموده است. اولین اتفاق مهم به شکل جریان عقلانیت بر اخباری گری در میان فقها در پیش از ۲۰۰ سال قبل بود. این جریان تاریخی و اتفاق مهم؛ راه را برای اجتهاد شیعی در ابواب مختلف از جمله حکومت باز نمود. در این بین، سه عرصه عقل و نهضت و جهاد عظیمی درجهان تشیع مسیر سرنوشت تفکر شیعی و به تبع آن اندیشه سیاسی شیعی را متحول کرد. در پژوهش پیش رو، با هدف واکاوی سیر تاریخی اندیشه سیاسی تشیع، تحولات و تطورات این حوزه اندیشگی طی دویست سال اخیر بررسی شده است. با تقسیم و مرتبه‌بندی ادوار تاریخی این تفکر، غلبه جریان و گفتمان عقلانیت بر اخباریگری، به عنوان نقطه عطف، سیر این تحول مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه ها و ریشه‌های بزرگان سیاسی و اندیشه‌های شیعی نظیر صاحب جواهر، شیخ اعظم و میرزای شیرازی، بررسی، و تأثیرات مهم مکتب سیاسی شیخ انصاری در ساخت سازه‌های اندیشه سیاسی شیعی تا زمان فعلی گفته خواهد شد. انقلاب مشروطه و عرصه مستقیم مفاهیم غربی در ساخت اندیشه شیعی، بر سرعت تحول و تطور دستگاه هاضمه فکری شیعی می‌افزاید. در این برهه، دسته‌بندی‌ها و اختلافاتی که میان اندیشمندان شیعی در فهم و بسط اندیشه غربی به وجود آمد، بررسی و ریشه‌یابی می‌شود. محصول تحول عقلانی و مواجهه با مدرنیته غربی، در سیر پایانی اندیشه شیعی، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در چارچوب نظریه مردم‌سالاری دینی

به ظهور می‌رسد. این پژوهش نگاه ویژه‌ای به تحولات پنجاه‌ساله اخیر مکاتب اندیشه‌ای شیعی نجف و جبل عامل داشته است. قله رفیع اندیشه سیاسی شیعی در نجف، در این مدت، شهید سعید آیت‌الله محمدباقر صدر^(ره) است که نقش مهم وی بدیلی به لحاظ تغذیه فکری و عملی جریان حاکمیت دینی در عراق داشته است. در سایه‌سار این اندیشمند فرزانه، گروه‌ها و احزاب سیاسی دینی متعددی در عراق به وجود آمد که به صورت مشروح به آنها اشاره خواهد شد. مرجعیت دینی نجف نیز، همیشه به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در سیاست فکری و تحولات جوامع شیعی حضور داشته است. آیت‌الله سیدمحسن حکیم^(ره)، آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی^(ره) و آیت‌الله سید علی سیستانی در زمره مراجع عالی‌قدری هستند که به رغم عدم ارائه اندیشه سیاسی منسجم، نقش مهم و تأثیرگذاری در حوادث عراق و مکتب نجف داشته‌اند. مکتب جبل عامل نیز که به رغم سابقه درخشان و نقش مهمی که در ساختن جامعه شیعی دوره صفوی داشت، دوره‌ای از رخوت را طی می‌نمود، با حضور مردان بزرگ چون آیت‌الله شرف‌الدین و به دنبال آن امام موسی صدر، حیات علمی و عملی دوباره‌ای یافت. اندیشه‌پردازان بزرگ معاصر آن نظیر علامه مغنیه، علامه سید محمدحسین فضل‌الله و مرحوم علامه محمد مهدی شمس‌الدین بزرگانی بودند که با تدوین و ساماندهی اندیشه شیعی و دیدگاه‌های متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه لبنانی، به ارائه نظریه پرداخته‌اند. علامه شمس‌الدین، اندیشمند سیاسی برجسته مکتب جبل عامل است که بیش از دیگران در این عرصه ورود نمود. سید با پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیرات گسترده آن، تفکر سیاسی جدیدی در لبنان متجلی شد که به تدریج به گفتمان غالب شیعیان این خطه تبدیل شد. جنبش حزب‌الله، متأثر از اندیشه شیعی امام خمینی^(ره)، با حل معضل ارتباط با ولی فقیه عادل مستقر در کشور دیگر و سرکشی در اختار حکومتی یک کشور چند قومیتی که به لحاظ سهم‌دهی سیاسی نیز شیعیان در اقلیت قرار دارند، مرحله‌ای دیگر از بلوغ سیاسی اندیشه شیعی را به نمایش گذاشته است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	تعریف مفاهیم
۵	اندیشه سیاسی
۶	فلسفه سیاسی
۸	«اندیشه سیاسی» و «فلسفه سیاسی»
۸	نظریه سیاسی
۹	رابطه «ریه سیاسی» و اندیشه سیاسی
۹	کلام سیاسی
۱۰	مکتب سیاسی
۱۱	اندیشه سیاسی شیعه و رابطه آن با فقه سیاسی
۱۴	منابع
۱۵	فصل اول
۱۶	گفتار اول: مداخلی بر اندیشه سیاسی در اسلام
۱۸	گفتار دوم: مبانی اندیشه سیاسی شیعه
۲۹	گفتار سوم: ادوار اندیشه سیاسی شیعه
۳۴	گفتار چهارم: آغاز شکوفایی اندیشه سیاسی تشیع، غلبه جریان «مردم»
۶۲	گفتار پنجم: مواجهه اندیشه سیاسی شیعه با افکار نو غربی
۷۸	گفتار ششم: تأسیس نظام جمهوری اسلامی، تحقق عملی ولایت سیاسی
۹۰	جمع‌بندی فصل اول
۹۱	منابع فصل اول
۹۳	فصل دوم
۹۴	گفتار اول: نگاهی به پیشینه علمی حوزه نجف

۹۷	گفتار دوم: مکتب نجف و حضور در تحولات سیاسی
۱۱۹	گفتار سوم: بازخوانی اندیشه سیاسی شهید صدر
۱۵۶	گفتار چهارم: مکتب نجف و گروه های سیاسی شیعی معاصر عراق
۱۷۳	گفتار پنجم: وضعیت آتی جامعه شیعی و مرجعیت نجف
۱۸۱	جمع بندی فصل دوم
۱۸۳	منابع فصل دوم
۱۸۷	فصل سوم
۱۸۸	گفتار اول: نقش در جیل عامل
۱۹۲	گفتار دوم: مکتب جیل عامل و حکومت صفویه
۲۰۲	گفتار سوم: اندیشه سیاسی علما و فقهای مکتب جیل عامل در عصر حاضر
۲۳۵	گفتار چهارم: اندیشه سیاسی محمد مهدی شمس الدین
۲۶۰	گفتار پنجم: مکتب جیل عامل و جنبش های سیاسی معاصر شیعی لبنان
۲۷۴	گفتار ششم: تاثیر متغیر دولت های جیل عامل در مکاتب اندیشه ای شیعی
۲۷۸	جمع بندی فصل سوم
۲۷۹	منابع فصل سوم
۲۸۱	جمع بندی و نتیجه گیری
۲۸۴	تثبیت گفتمان تعقل و اجتهاد
۲۸۴	جمع بندی و خلاصه مباحث
۲۹۵	کتابشناسی

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که مبتنی بر اندیشه سیاسی اصیل شیعی به وقوع پیوست، پیش از آنکه یک تحول سیاسی مهم قلمداد شود، تلنگر جدی بر اندیشه تمدن جدید مغرب‌زمین در الزام تاریخی جوامع و ملل دیگر در پیمودن مسیر رشد و توسعه به شیوه آنها، و دارای ماهیتی تازه‌شکنتانه بود. رنسانس و آغاز دوره جدید، نگاه مغربیان را از آسمان به زمین آورد و انسان و تمدن وی در بنیان و اساس نظریات دانشمندان آن دیار قرار داد. از آنجایی که اندیشه جدید در بابل دستگاه فکری کلیسا و مدعیات دینی آنها پا گرفته بود، حذف و یا حداقل انزوای تفکر دینی به کلید واژه نظریه دازی غربیان تبدیل شد. از این منظر، جوامع بشری برای نیل به آرمان شهری که آنرا توصیه می‌کردند بایستی از قالب اعتقادات و تفکر دینی خارج شوند. آنها این الگو و مدل را برای جوامع و مردم غربی توصیه می‌کردند، از این رو، پس از ورود و استعمار بخش‌های مختلف جهان اسلام، با شدت به هیچ این ایده پرداختند. بخشی از این مأموریت هم به برخی از نخبگان و روشنفکران متأثر از آن واگذار شد. بررسی روند نیز نشان می‌داد تفکر استعماری علیرغم مقاومت‌های مختلف، با فرو بردن و استفاده از شیوه‌های متنوع، در مجموع موفقیت قابل توجهی را به دست آورده است. اما یکی از نشان‌های همیشگی مقاومت در برابر این هجمه نظامی و فرهنگی، تشیع و اندیشه‌های مترتب بر آن بود. سلاح اصلی تمدن غربی در این مضاف، تفکر و فرهنگ بود که اندیشه سیاسی تشیع به مثابه عقلاست ذاتی خود بالقوه توان هضم و پاسخگویی به تحولات و مفاهیم وارداتی را داشت. در عرصه سیاست، قانون، حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی و حق اکثریت و به دنبال آن تفکر ناسیونالیست و ایده دولت - ملت‌های جدید و انقراض خلافت اسلامی مسایلی بودند که علیرغم دشواری، اندیشه سیاسی - کائنات مقاومت فکری و فرهنگی مناسبی را به عمل آورد و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی و کمیت سیاسی تفکر شیعی، گسست جدی را در منظومه فکری تمدن جدید به دنبال داشت. خلافت اسلامی ایران و قائد عظیم‌الشان آن با اخذ شکل و قالب مفاهیم جدید و تزریق محتوای دینی - مذهبی به آن، تمدن غربی را زمین‌گیر نمود. تداوم سی ساله انقلاب اسلامی، دلیل روشنی بر توانایی اندیشه سیاسی شیعه در اداره سیاسی و اجتماعی جامعه است.

امروز، این اندیشه با استفاده از فرم و شکل مفاهیم غربی، علیرغم همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، سهم عمده‌ای را در اداره جوامع شیعی و نقش الهام‌بخشی برای طرفداران تفکر دینی در

کشورهای اسلامی و داعیه‌داران عدالت در اقصی نقاط دنیا داشته است. در پژوهش پیش رو، با هدف واکاوی سیر تاریخی اندیشه سیاسی شیعی، تحولات و تطورات این حوزه اندیشگی طی دو‌ست سال اخیر بررسی شده است. با تقسیم و مرتبه‌بندی ادوار تاریخی این تفکر، غلبه جریان و گفتمان عقلانیت بر اخباریگری، به عنوان نقطه عطف، سیر این تحول مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بزرگان سیاسی و اندیشه‌های شیعی نظیر صاحب جواهر، شیخ اعظم و ... ای شرازی بررسی، و تأثیرات مهم مکتب سیاسی شیخ انصاری در ساخت سازه‌های اندیشه سیاسی شیعی تا زمان فعلی گفته خواهد شد.

الاب مشروطه و عرصه مستقیم مفاهیم غربی در ساحت اندیشه شیعی، بر سرعت تحول و تطور فکری معاصر شیعی می‌افزاید. در این برهه، دسته‌بندی‌ها و اختلافاتی که میان اندیشمندان شیعی بر فضا و بسط اندیشه غربی به وجود آمد، بررسی و ریشه‌یابی می‌شود. محصول تحول عقلانی و ... اندیشه غربی، در سیر پایانی اندیشه شیعی، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در چارچوب تفکر مردم‌داری دینی به ظهور می‌رسد.

این پژوهش نگاه ویژه‌ای به تحولات پانجاه‌ساله اخیر مکاتب اندیشه‌ای شیعی نجف و جبل عامل داشته است. قله رفیع اندیشه شیعی در نجف در این مدت، شهید سعید آیت‌الله محمدباقر صدر^(ره) است که نقش مهم و بی‌بدیلی به لحاظ فکری و عملی جریان حاکمیت دینی در عراق داشته است. در سایه‌سار این اندیشمند فرزانه گروه‌ها و عزاب سیاسی دینی متعددی در عراق به وجود آمد که به صورت مشروع به آنها اشاره خواهد شد. جمعیت دینی نجف نیز، همیشه به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در ساحت فکری و تحول اجتماع شیعی حضور داشته است. آیت‌الله سید محسن حکیم^(ره)، آیت‌الله سید ابوالقاسم خونی^(ره) و آیت‌الله سید علی سیستانی در زمره مراجع عالقدری هستند که به رغم عدم ارائه اندیشه سیاسی مشخص، نقش مهم و تأثیرگذاری در حوادث عراق و مکتب نجف داشته‌اند.

مکتب جبل عامل نیز که به رغم سابقه درخشان و نقش مهمی که در ساختن جامعه شیعی دوره صفوی داشت، دوره‌ای از رخوت را طی می‌نمود، با حضور مردان بزرگی چون علامه شرف‌الدین و به دنبال آن امام موسی صدر، حیات علمی و عملی دوباره‌ای یافت. اندیشمندان بزرگ معاصر آن نظیر علامه مغنیه، علامه سید محمدحسین فضل‌الله و مرحوم علامه محمد مهدی شمس‌الدین بزرگانی بودند که با تدوین و ساماندهی اندیشه شیعی و دیدگاه‌های سیاسی، متناسب با شرایط و

مقتضیات جامعه لبنانی، به ارائه نظریه پرداخته‌اند. علامه شمس‌الدین، اندیشمند سیاسی برجسته مکتب جبل عامل است که بیش از دیگران در این عرصه ورود نموده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیرات گسترده آن، تفکر سیاسی جدیدی در لبنان نضج گرفت که به تدریج به گفتمان غالب شیعیان این خطه تبدیل می‌شود. جنبش حزب‌الله، متأثر از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، با حل معضل ارتباط با ولی فقیه عادل مستقر در کشور دیگر و شرکت در ساختار حکومتی یک کشور چندرسمیتی که به لحاظ سهم‌دهی سیاسی نیز شیعیان در اقلیت قرار دارند، مرحله‌ای دیگر بلوغ سیاسی اندیشه شیعی را به نمایش گذاشته است.

۱- سازمان پژوهش

سوال اصلی این پژوهش عبارت است از: «دلایل اصلی تغییر و تحول در تطور اندیشه سیاسی تشیع در دوره‌های اخیر چیست؟ و در سیر این تطور، شکل‌گیری، رشد و بالندگی مکاتب نجف و جبل عامل و تأثیر آنها بر تحولات سیاسی چگونه بوده است؟»

۲- سؤالات فرعی پژوهش عبارتند از:

۱. اندیشه سیاسی و مسأله حکمرانی میان فقها شیعی دارای چه جایگاهی بوده است؟
 ۲. تحولات داخلی دستگاه فقهی تشیع چه تأثیری بر اندیشه سیاسی شیعه داشته است؟
 ۳. افکار نو غربی چه تأثیری بر نظام اندیشه شیعی داشت؟
 ۴. اندیشمندان مطرح مکتب نجف و جبل عامل در دهه‌های اخیر کدامند؟ و کدام یک بیشترین تأثیر را بر تحولات سیاسی آن حوزه داشته است؟
 ۵. تأثیر شکل‌گیری دولت - ملت‌های جدید در لبنان و عراق بر نظریه‌های مکاتب نجف و جبل عامل چه بوده است؟
- اولین فرضیه این پژوهش آن است که «تحول درونی دستگاه فقهی تشیع پس از آن، تصادم با اندیشه‌های جدید؛ علت اساسی تطور اندیشه سیاسی تشیع است».
- فرضیه دوم نیز عبارت از این است که «تحول و تطور اندیشه سیاسی مکاتب نجف و جبل عامل، در دهه‌های اخیر، تحت تأثیر اقتضائات زیست بومی آنها قرار گرفته است».
- این پژوهش در چهار فصل تهیه شده است.

مبتنی بر پاسخگویی به سوال‌های اصلی و فرعی پژوهش، فصول اول، دوم و سوم طراحی شده است. عنوان فصل اول «سیر تاریخی تکوین اندیشه سیاسی تشیع و تحولات آن» است.

در این فصل و در قالب شش گفتار، ضمن بیان دوره های مختلف اندیشه سیاسی تشیع در دوران غیبت، عوامل اصلی تطور و تحول حوزه اندیشه سیاسی بیان شده است. گفتار اول، مدخلی بر تاریخ اندیشه سیاسی اسلام است که در آن دلایل ایجاد نحله های اصلی میان مسلمانان در بستر تحولات سیاسی طرح می شود. در گفتار دوم، مبانی اندیشه سیاسی شیعه، در قالب نظام امامت و امت، ترسیم شده است. گفتار سوم، به بیان ادوار مختلف اندیشه سیاسی شیعه از آغاز دوره غیبت، تا حال، به صورت مختصر آمده است. گفتار چهارم این فصل، به بررسی دوره غلبه اصولیون بر اخباریون، با عنوان «آغاز شکوفایی اندیشه سیاسی شیعی، پیروزی جریان خردگرا» اختصاص یافته است. این تحول راه را بر شکل گیری نحله های جدید فکری در مواجهه با آموزه های تمدن مغرب زمین فراهم کرد که آن را در گفتار پنجم این فصل بررسی می کنیم. آخرین گفتار این فصل، معرفی اجمالی تحول شگرف پیروزی انقلاب اسلامی، تحت تاثیر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) خواهد بود.

در فصل دوم، به صورت کلی، مکتب اندیشه سیاسی نجف در دهه سال اخیر را مورد بررسی قرار خواهیم داد. ابتدا به بخشی از حوزه علمیه نجف اشرف، به عنوان یکی از اصیل ترین بسترهای رشد و نضج فکری شیعی در طول دوره های مختلف ارائه می شود. در ادامه به معرفی جنبش های سیاسی که در این بستر و اندیشه و تدبیر علمای نجف به وقوع پیوسته خواهیم پرداخت. پس از آن به معرفی کامل آیت الله حضرت آیت الله محمد باقر صدر و مکتب اندیشگی که در دوره اخیر بنیان نهاد راز مصلحت خاص و موردی این پژوهش است، اشاره؛ و در پایان فصل، احزاب و گروه های سیاسی شیعی فعال در عرصه عراق و عملکرد آنها که مبتنی بر اندیشه های مکتب نجف شکل گرفته است، معرفی تفصیلی خواهند شد.

فصل سوم این پژوهش به معرفی و بررسی اندیشه سیاسی شیعی مکتب جبل عامل، عامل اختصاصی دارد. ابتدا، به تاریخچه تشیع در جبل عامل اشاره، و سپس به تعاریف تاثیر فرهنگی و سیاسی اندیشمندان لبنانی در ساخت دولت - ملت ایران با هویت شیعی در دوره صفویه توجه می شود. در بخش بعدی، آرای سیاسی اندیشمندان برجسته این مکتب فکری و در راس آنها مرحوم محمد مهدی شمس الدین پرداخته می شود. در انتها هم ضمن معرفی دو جنبش اصلی و مبارز حاضر در صحنه سیاسی لبنان، امل و حزب الله، به نسبت فکری و

عملی آنها با اندیشمندان مکتب جیل عامل اشاره خواهد شد.

در پایان نیز جمع بندی نهایی از مجموع مطالب فصول مختلف، ارائه خواهد شد.
نوع این تحقیق، بنیادی راهبردی است. منظور از تحقیق بنیادی راهبردی، تحقیقی است که به منظور فراهم ساختن زمینه علمی لازم برای حل مسائل جاری و آتی انجام شود. (بازرگان، سرمد و حجازی، ۱۳۸۳: ۱۵)

روشن شدن پژوهش اسنادی با رویکرد بررسی تحلیلی، تاریخی است. در این روش، بر موضوعات معینی که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده است پژوهش انجام می شود. بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل و تجزیه و تحلیل آنها بصورت منظم و علمی می باشد.

پژوهش تاریخی به روشی است که توسط دیگران جمع اوری یا مشاهده شده بستگی دارد لذا اصالت اسناد و مدارک و نیز دقت تاریخ نویسان بسیار حائز اهمیت است این روش از نوع مطالعات کیفی بوده و بعد کلان قرار دارد و از مهمترین تکنیک های آن تحلیل اسنادی و تحلیل محتوا می باشد که این کار از روش تحلیل اسنادی با رویکرد تبیین تاریخی استفاده می شود که تجزیه و تحلیل اسناد تاریخی و تغییرات اجتماعی و تحول ارزشها در یک حوزه معین بررسی می شود.

- تعریف مفاهیم

برای پرهیز از اختلاط مفاهیم، ارایه تعریف دقیق و به عبارتی بهتر، بیابان منظور و مقصود گوینده و نویسنده از به کارگیری آنها ضروری است. با این رویکرد ضروری است در ادامه مراد و مقصود از مفاهیم اساسی و احیاناً دارای اشتراکات معنایی این نوشته را تفسیر دهیم.

- «اندیشه سیاسی»

اندیشه سیاسی تاریخی طولانی دارد و پیشینه آن به پیشینه تاریخ بشر می رسد؛ یعنی از بدو حیات آدمی با وی همراه بوده است و انسان همواره دغدغه اندیشه و تفکر راجع به موضوعات و مسائل مرتبط با خود را داشته است. اصولاً می توان اندیشه هایی را که با پرمش از ماهیت پدیده هایی چون اقتدار سیاسی، سامان سیاسی، نهادهای سیاسی و دولت، سروکار

دارد اندیشه سیاسی خوانند (کمال پولادی، ۱۳۸۵: ۲). همچنین اندیشه سیاسی ممکن است دفاع از یک عقیده جزئی و یا دفاع از یک ایمان و اعتقاد دینی باشد و یا اینکه در یک اسطوره متبلور شود.

ریمون آرون نیز در تعریف اندیشه سیاسی می‌گوید: اندیشه سیاسی، عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی احتمال تحقق دارد و همچنین مشخص کردن ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت که موجب دستیابی به آن اهداف شود. (آرون، ۱۳۷۰: ۳۵)

لئو اشتراوس، تأمل یا ارائه تفسیر درباره آرای سیاسی را اندیشه سیاسی می‌داند. اشتراوس، بیان آن اندیشه را به گونه‌ای می‌داند که به هرگونه تأمل در باب مسائل اساسی سیاسی گفته می‌شود، بیان می‌کند به اندیشه سیاسی، لزوماً به دنبال آن نیست که با بهره‌گیری از روش‌های خاص به معرفت درست سیاسی و معرفت حقیقی درباره سیاست را جانشین گمان سیاسی کند؛ دقیقاً برخلاف فلسفه سیاسی که به حرکت از گمان سیاسی به سوی معرفت درست را دارد. (اشتراوس، ۱۳۸۱: ۱۰)

- «فلسفه سیاسی»

این واژه که در یونان باستان با جست و جوی بهترین نظام سیاسی و شیوه حکومت، آغاز شد، شاخه‌ای از فلسفه به‌شمار می‌رود و همچنین فلسفه در پی معرفت نسبت به انسان، طبیعت، حیات انسانی و جهان است. مفهوم فلسفه سیاسی از سقراط و افلاطون، کوششی برای نشان دادن معرفت به ماهیت امور سیاسی به جای گمان درباره آن است (آمان، ۱۳۸۲: ۱۲). این ویژگی فلسفه سیاسی، منتج از همراهی و همگامی ذات تفکر فلسفی با آن است؛ چرا که فلسفه همواره ملازم با فقدان معرفت و آگاهی است.

اشتراوس از منظری نوافلاطونی، در احیای فلسفه سیاسی، تلاش کرده است. او به‌ویژه به‌طور مشخصاً از منظر فلسفه به فلسفه سیاسی می‌نگرد. او فلسفه را اندیشیدنی می‌داند که به ریشه‌ها می‌پردازد و فراگیر است. اشتراوس، فلسفه سیاسی را فلسفیدن در باب آنچه به حیات سیاسی، یا همان علت غایی کنش سیاسی مربوط است، می‌داند. اشتراوس، قائل به این است که فلسفه سیاسی دو مرحله تاریخی را تجربه کرده است: کلاسیک و مدرن. فلسفه کلاسیک

با امور نیک و عادلانه، در مقولات خوبی و عدالت سروکار دارد. چنین مقولاتی معطوف به زندگی بخردانه، یعنی والاترین موضوع فلسفه سیاسی کلاسیک هستند؛ درحالی که چنین جهت‌گیری‌ای در فلسفه سیاسی جدید، جایگاهی ندارد. از نظر اشتراوس، در فلسفه سیاسی مدرن ارتباط میان سیاست با قانون طبیعی از هم گسست. از آنجا که فلسفه سیاسی، تلاشی برای جایگزینی معرفت به جای گمان است، بنابراین همواره این امکان برای فیلسوف وجود دارد که نگاهی انتقادی و نقادانه به گذشته بازگشته و به دستاوردهای خود بنگرد و به عیان، یازاندیشی کند، چرا که همواره ناآگاهی فیلسوف بر آگاهی وی پیشی می‌گیرد و در نتیجه می‌توان گفت که فلسفه سیاسی، کوششی آگاهانه و انتقادی برای دریافت امور سیاسی است. (همان، ۱۳)

کلایمر روس در تبیین فلسفه سیاسی می‌گوید: «هر عمل سیاسی، مستلزم ارزش‌های سیاسی اساسی است. در نتیجه، کسی است که اندیشمندان سیاسی از افلاطون تاکنون، به ارزش‌هایی که مبنای جامعه خوب و عادلانه هستند، بیندیشند. فلسفه سیاسی از جامعه خوب، عدالت و مسائلی از این‌تیمیل جدا نمی‌کند. علوم سیاسی، زیر رشته‌های مختلفی دارد و فلسفه سیاسی یکی از زیررشته‌های ممتاز علمی است و با استلزامات هنجاری و رفتاری نظام سیاسی (راهی که دولت و جامعه «باید» در زمان داده شوند و شهروند «باید» رفتار کند) و همچنین ارزش‌های اولیه بشری در ارتباط است. اندیشه‌پردازان جدید سیاست هر چند می‌خواهند علوم سیاسی را تا حد ممکن علمی‌تر کنند، این مسئله به معنای کم شدن ارزش فلسفه سیاسی نیست. همچنین می‌توان فلسفه سیاسی را به گونه‌ای به پیش‌پیشی روشن‌مند و پیگیرانه برای رسیدن به معرفت سیاسی یا حل معماهای سیاسی که مستلزم به‌کارگیری مبادی وجودشناسی، روش‌شناسی و کیهان‌شناسی، حاصل می‌شود، بنا کرد. می‌توان فلسفه سیاسی را به منزله کوششی نظام‌مند و دارای قاعده برای فهم ماهیت امور سیاسی دانست که بزرگ‌ترین فیلسوفان سیاسی در طول تاریخ اندیشه همواره کوشیده‌اند تا به دست یابند. فلسفه سیاسی اغلب به شیوه‌ای انتزاعی با غایات حکومت و ابزارهای مناسب دستیابی به آنها و همچنین نبل به بهترین شکل حکومت سروکار دارد. موضوعات اصلی فلسفه سیاسی را مباحثی همچون چگونگی احراز استوارکردن زندگی سیاسی بر اصول اخلاقی،

دلیل و ضرورت وجود حکومت، دلایل اطاعت اتباع از قدرت و... شکل می‌دهد». (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۷)

– رابطه «اندیشه سیاسی» و «فلسفه سیاسی»

اندیشه سیاسی، به معنای جدیدش بیشتر با فلسفه سیاسی نزدیکی و قرابت دارد تا با گفتارهای سیاسی دیگری همچون نظریه یا تئوری به معنای جدید آن. بنابراین می‌توان اندیشه سیاسی سده بیستم را دنباله فلسفه سیاسی قدیم دانست؛ چرا که هر دو به مطالعه در باب مسائل سیاسی همچون سرشت و مرجعیت دولت، مبانی مشروعیت، عدالت و آزادی، وزن و رافع الزامات موجود و مطلوب سیاسی و جایگاه مردم در امور سیاسی می‌پردازند. اما تفاوت اصلی میان این دو وجود دارد این است که اندیشه سیاسی، خصالتی عمل‌گرایانه‌تر دارد. دلایل انتزاعی‌تر فلسفه سیاسی ازجمله بحث از دلایل و ضرورت مبانی تکوین حکومت را کنار گذاشته است؛ چنان که فلسفه سیاسی، مطالعات خود را با رجوع به مبادی وجودشناسی و هستی‌شناسی و به‌گونه‌ای روشمند انجام می‌دهد؛ بر خلاف اندیشه سیاسی. نکته دیگری اینجاست که اندیشه سیاسی همانند این است که فلسفه سیاسی، جزئی از اندیشه سیاسی بوده و از حیطه‌ای کلی‌تر را شامل می‌شود. بدین صورت که هر بحثی در فلسفه سیاسی بخشی از اندیشه سیاسی است، اما برعکس آن صحیح نیست؛ یعنی هر اندیشه سیاسی را نمی‌توان فلسفه سیاسی دانست. بنابراین رابطه میان این دو عموم و خصوص مطلق است. همچنین لازم به ذکر است که «اندیشه سیاسی از بدو تاریخ حیات بشر با وی همراه بوده، اما فلسفه سیاسی از یونان باستان و به‌ویژه با سقراط آغاز شده است.

– نظریه سیاسی

لئو اشتراوس در باب نظریه سیاسی می‌گوید: نظریه سیاسی، روشی راهبردی در امر سیاست است که با اندیشه و تفکری همه‌جانبه در این باب، قادر به ارائه سیاستی فراگیر خواهد بود. در نظریه سیاسی، اینجا و اکنون از الزامات ذاتی هر نظریه است. در واقع می‌توان

هدف بنیادین نظریه را توضیح، فهم و تفسیر واقعیت دانست و حتی می‌توان اذعان کرد که اصلاً فهم واقعیت بدون نظریه امکان‌پذیر نیست. (اشتراوس، همان: ۳۴)

– رابطه نظریه سیاسی و اندیشه سیاسی

اگر بخواهیم در باب تفاوت میان اندیشه سیاسی و نظریه سیاسی، سخن بگوییم باید گفت که نظریه‌پردازی در سده بیستم به تبعیت از توسعه علوم دیگر به وجود آمده است. در این نوع نظریه‌پردازی نیز روش‌های اثباتی علوم به کار برده می‌شود. نظریه‌پردازی اثباتی و فارغ از ارزش‌های آشکار اپولوژیک و فلسفی و خالی از عنصر تجویز و عمل و معطوف به تحلیل و تبیین محض، طبعاً اندیشه سیاسی به شمار نمی‌رود.

اندیشه سیاسی اگرچه همان است تا اندازه‌ای توصیفی و یا تبیینی باشد، اما اصولاً هنجاری است؛ یعنی به چگونگی همان دادن به زندگی سیاسی بر حسب اصول نظری یا اخلاقی و بژه‌ای سروکار دارد. اندیشه سیاسی، اخلاقاً نگران وضعیت بشری است؛ در حالی که نظریه پرداز سیاسی، ظاهراً بر تبیین ارزش تأکید می‌کند؛ گرچه ممکن است دردشناس باشد، اما درمانگر نیست. نظریه سیاسی، اغلب به سبب جامعه‌شناسی سیاسی قرار می‌گیرد. خلاصه اینکه اندیشه سیاسی، برخلاف نظریه سیاسی به دنبال قانونمندی پدیده‌ها و یا محدود به قواعد اثباتی علم نیست؛ هر چند محدود به قواعد منطقی است. البته باید گفت که اندیشه سیاسی، لزوماً با دستاوردهای نظریه و دانش سیاسی، هم‌پوش نیست. همچنین اندیشه‌های سیاسی، برخلاف اغلب نظریه‌ها، کلیت را موضوع بررسی خود قرار نمی‌دهد نه اجزاء را و تلاش می‌کند تا پدیده‌های پراکنده را چنان بازنمایی کند که گویی در مرتبه میان آنها رابطه‌ای اندام وار وجود دارد.

– کلام سیاسی

«کلام سیاسی» از حوزه‌های مطالعاتی اندیشه سیاسی اسلام به شمار می‌آید که درصدد بررسی، تبیین و دفاع از آموزه‌های سیاسی دینی است. واژگان «علم کلام» و به تبع آن «کلام سیاسی»، اصطلاحاتی اسلامی هستند و به تفکر اسلامی تعلق دارند و از این حیث،

اصطلاحاتی خاص هستند، اما می‌توان آنها را با واژگان لاتین «theology» و «political theology» مقایسه کرد.

کلام سیاسی، شاخه‌ای از علم کلام است و بدین جهت ویژگی‌های علم کلام را نیز می‌بایست در آن جست و جو کرد. در بررسی چیستی کلام سیاسی، توجه به تعاریف و ویژگی‌های کلی علم کلام ضروری است. با وجود تعاریف گوناگون از علم کلام، تاکنون تعریف منسجمی از کلام سیاسی ارائه نشده است اما می‌توان براساس تعریف برگزیده علم کلام، کلام سیاسی را نیز چنین تعریف کرد: «کلام سیاسی، شاخه‌ای از علم کلام است که به تبیین و توضیح آموزه‌های ایمانی و دیدگاه‌های دینی در باب مسائل سیاسی پرداخته و از آنها استقبال و رد می‌کند و آموزه‌های رقیب دفاع می‌کند» (بهروز لک، ۱۳۸۲: ۶۷). لئو اشتراوس در رابطه با کلام سیاسی قائل به این است که این مفهوم بر گرفته از تعالیم سیاسی‌ای است که از وحی الهی ناشی می‌شود. در حقیقت وی با توجه به مسئله وحی و خاصیتگاه بودن آن برای تعالیم سیاسی، این تعالیم را برمی‌گزیند تا جلوه‌ای وحیانی به آن تعالیم سیاسی بدهد. (اشتراوس، همان، ۴۷)

- مکتب سیاسی

مکتب سیاسی (school political) عبارت است از نظریه‌ای درباره دولت، یعنی نظریه‌ای کمابیش روشن درباره منشأ جامعه سیاسی (دولت) غایت و مقصود و سرانجام بهترین شکل آن. (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

با توجه به تعریف فوق، در این نوشتار مراد ما از مکاتب سیاسی، حوزه‌های اندیشه سیاسی است که دارای مولفه‌های متمایزی در زمینه شرایط و ویژگی‌های خاص حاکم و نظام سیاسی پیشنهادی باشد. براین اساس و طی تطور و بالندگی که در دوره معاصر در حوزه تفکر شیعی به وقوع پیوسته؛ و موضوع بحث این پژوهش نیز می‌باشد، طبق تقسیم‌بندی‌ها، به دلیل تأثیر پذیری از شرایط محیطی و جغرافیای حاکم، به عنوان مناطق جغرافیایی شناخته می‌شوند. به طور مثال مکاتب نجف، سامرا، قم و جبل عامل.

البته توجه به نکات زیر در این بحث ضروری است:

۱- این مسأله به این معنی نیست که نظریه های مضروح در درون یک مکتب خاص با یکدیگر این همانی داشته باشند؛ بلکه بیشتر اشاره به ویژگی های عمومی کلی حاکم و حکومت در آن حوزه ها می نماید.

۲- هم چنین ممکن است با گذشت زمان و سپری شدن دوره با نشاط علمی حوزه فکری، کمپیش میراث آن، به مکاتب بعدی منتقل می شود؛ نظیر ادعای انتقال میراث مکتب شیعه به مکتب قم.

۳- امکان دارد مکتبی موجد مکتب دیگری، حداقل در یک دوره خاصی باشد؛ ولی این به معنای انتقال همه مولفه های آن مکتب مبداء نیست، نظیر تأثیر گسترده مکتب شیعی نجف در حوزه جبل عامل که در عمل به نظام های سیاسی پیشنهادی متفاوتی در جبل عامل منجر شده است.

-اندیشه سیاسی شیعه و رابطه آن با فقه سیاسی

اندیشه سیاسی شیعه هرگونه تفکر و اندیشه در باب سیاست اسلامی را شامل می شود، و از فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی شیعه نامیده می شود (حقیقت، ۱۳۸۱: ۱۵). اما فقه سیاسی بخشی از فقه است که وظیفه مکلف را در برابر هر نوع مسئله سیاسی (داخلی یا خارجی) تعیین می کند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۴۱).

آنچه به صورت دقیق تر در این نگارش از مفهوم اندیشه سیاسی شیعه مورد اراده است بیان هر نظریه و تئوری حکومتی است که مبتنی بر مراجع و منابع دینی مورد قبول شیعی ارائه می شود. از این رو، بیان اندیشه های سیاسی شیعیان در این کتاب مورد نظر نخواهد بود. هم چنین در خصوص این همانی که ممکن است در برآیند این مسئله مورد دو اصطلاح اندیشه سیاسی شیعه و فقه سیاسی پدید آید ذکر این نکته ضروری است که در بیان دیدگاه های دانشمندان شیعی، از آنجایی که فقه قویترین دانش میان آنهاست لذا سبب شهرتشان بواسطه دیدگاه های فقهی، به خصوص در میان متأخرین، است، اما همین افراد در بیان نظریات و تفکرات سیاسی، تنها از دیدگاه های فقهی استفاده نکرده، بلکه این آرای منبعت از استدالات و دانش های دیگر از حوزه هایی نظیر فلسفه و کلام نیز می باشند. به طور مثال عمق استدالات افرادی نظیر شهید صدر، شهید مطهری و مرحوم شمس الدین مبنی

بر مجموع دیدگاه‌ها و دریافته‌ها از منابع دینی در رشته‌های مختلف است. بالاتر از همه این شخصیت‌ها، رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) قرار دارد که با درک عمیق از مجموعه دانش‌های دینی نظیر فقه، عرفان، کلام و فلسفه، اندیشه سیاسی خود را که موسس جمهوری اسلامی شد، بنیان نهاده بود؛ اما آنچه این شخصیت کم نظیر بیشتر بدان منتصف شد جنبه فقه و فقه‌ت بود. دلیل دیگر تلقی این همایی، دیدگاه همه اندیشمندان شیعی در مورد واگذاری تمامی و یا لاقابل بخش زیادی از مسئولیت‌های اجتماعی مردم (ع) در دوران غیبت به فقها می باشد. به واقع، چون انتهای استدلال اندیشمندان شیعی ختم به بیان کیفیت و چگونگی ایفای این مسئولیت (زعامت امت) است، این تلقی

نکته دیگر که باید از ادعاست گستردگی اندیشه سیاسی و حضور قوی آن در متن دانش‌ها و سایر علوم مرتبط است. در موسسه نجفی در کتاب «مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی» مراتب ظهور اندیشه سیاسی را چنین احصا نموده است: «مرتبۀ اول - اندیشه سیاسی و ظهور سیاست در متون حدیثی، دوم - اندیشه سیاسی و ظهور سیاست در متون شریعت نامه. سوم - اندیشه سیاسی و ظهور سیاست در آثارنامه‌ها، خردنامه‌ها و متون ادبی. چهارم - اندیشه سیاسی در متون سیاسی و دستورالوزرا و آثارالوزرا. پنجم - اندیشه سیاسی در سفرنامه‌ها و متون تاریخ. ششم - اندیشه سیاسی و متون عرفانی و رساله‌های صوفیه و شهودی (رسایل شهودی). هفتم - اندیشه سیاسی در متون فلسفه تاریخ. هشتم - اندیشه سیاسی در متون کلامی. نهم - اندیشه سیاسی در متون سیاسی نویسان نظامی و اجتماعی. دهم - اندیشه سیاسی در شاخه جدیدی با عنوان متون جامعه چندبعدی و چندرشته‌ای» (۱۳۸۲: ۶)

تعریف و تقسیم بندی «لمبتون» از اندیشه سیاسی نیز مؤید این ادعاست. خانم لمبتون، ایرانشناس و مستشرق بریتانیایی، معتقد است که «مجموعه آنچه اندیشه سیاسی معاصرین می نامیم، اعم از اینکه از منابع اسلامی تغذیه کرده باشد یا نه، در سه دیدگاه قابل طبقه بندی است: نظریه فقها؛ نظریه فلاسفه و نظریه ادبی. وی نظریه فقها را اسلامی ترین نظریه‌ها می داند که اصول و پایه‌های آنها را آیات قرآنی سنت پیامبر (ص)، سیره و روش جامعه صدر اسلام و تفسیر این منابع در پرتو تحولات سیاسی متأخر تشکیل می دهد. در این مجموعه میتوان به نظریاتی برخورد که پایه‌های رسمی دولت را مورد بحث قرار میدهد و نیز می توان ترسیم یک ایده آل مذهبی را

ملاحظه کرد. وی نظریه فلاسفه را بیشتر مرهون فلسفه یونان می داند و معتقد است که فیلسوف مسلمان پادشاه را در قالب امام تعریف می کند.

از نظر وی ادبا دسته سوم از نظریه پردازان مسلمان هستند که بر امتیاز و حق الهی شاهان تأکید می کند و بیشتر با عمل حکومت سر و کار دارد تا با تئوری آن. (کمیون، ۱۳۷۴: ۶۷)

با این توصیف و دفع و دخل مقدم، منظور از اصطلاح اندیشه سیاسی شیعه در این بررسی، علم از خاص اصطلاحات و واژه هایی نظیر فقه سیاسی است.

www.ketab.ir